

## نقش عقل در استنباط احکام از منظر یوسف قرضاوی

محمدعلی واعظی\*

چکیده: یکی از راه‌های مهم برای مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری تقویت جایگاه عقل‌گرایی در مقابل نص‌گرایی افراطی است. مشکل اصلی جریان‌های خشونت‌طلب در برداشت ظاهری آنان از متن و عدم توجه به شرایط صدور و سیاق تاریخی متون دینی است. آنان هرگونه تأویل و توجه به زمینه‌های تاریخی را نادیده می‌گیرند. یکی از چهره‌های مهم جریان نوسلفی، دکتر یوسف قرضاوی درباره نقش عقل در استنباط احکام بسیار قلم زده است. به نظر وی، عقل نقش مهمی در استنباط احکام دارد. وی معتقد است نباید نقش عقل را به کشف مقاصد الشریعة‌ای که قدما ذکر کرده‌اند، منحصر نماییم. آن‌ها معمولاً مقاصد الشریعة را در پنج مورد (حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال) منحصر کرده‌اند، ولی قرضاوی معتقد است مقاصد شریعت منحصر به این پنج مورد نیست و ما می‌توانیم خیلی از مسائل مستحدثه دیگر را نیز در زیر چتر عقل حل و فصل نماییم. در این مقاله با روش تحلیلی توصیفی، نظریه یوسف قرضاوی درباره محدودده عقل در استنباط بررسی و نظریه وسطیه (اعتدال در عقل‌گرایی) وی تبیین خواهد شد.

\* کاندید دکتری جریان‌های کلامی معاصر، قم؛ جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی

## مقدمه

یکی از راه‌های مهم مبارزه با جریان افراط‌گرایی دعوت به تعقل و خردورزی است. ساده‌انگارانه است که گمان کنیم جریان‌های تکفیری در توجیه مبانی و ادعاهای خود از ظاهر متون دینی و آیات و روایات استفاده نمی‌کنند. آن‌ها در خصوص مدعیات خود، درباره حاکمیت الهی، جاهلیت مدرن، تکفیر مجتمع، جهاد ابتدایی و مبارزه با بدعت‌ها و خرافات، به متون دینی استدلال می‌کنند و ادعاهای خود را به سلف و صحابه نسبت می‌دهند. نکته‌ای که در نگاه آنان مغفول می‌ماند این است که بسیاری از این آیات و روایات از سیاق تاریخی خود خارج کرده و فقط به ظاهر متن بسنده می‌کنند؛ آنان به عقل بهای کمی می‌دهند و شرایط زمان و مکانی را در نظر نگرفته، بر اجرای همه احکام صدر اسلام اصرار می‌ورزند. از آنجا که این امر بی‌گمان در روی آوردن جریان‌های افراطی به خشونت نقش دارد، یکی از بهترین راه‌ها برای مقابله با این‌گونه جریان‌ها به چالش کشیدن مبانی آن‌ها در این زمینه است.

مسئله نبرد عقل و نقل از گذشته‌های دور در تاریخ اسلام مطرح بوده است. بحث عقل‌گرایی در میان اهل سنت ذیل عنوان مقاصد الشریعة و در میان شیعه ذیل عنوان علل الشرایع دنبال شده است. اهل سنت روی هم‌رفته زودتر و مسنجم‌تر از شیعه در بحث‌های مقاصدی و عقلی ورود کرده‌اند و کتاب‌های بسیاری در این زمینه نگاشته‌اند. در بین اهل سنت پنج اصل کلی، تحت عنوان کلیات خمس، جزو مقاصد اصلی شریعت مطرح شده است: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال. بر این اساس، حفظ این امور حاکم بر بقیه احکام شرعی است و اگر در موردی، این امور با سایر احکام تزامن و تعارض پیدا کنند، باید سایر احکام جرح و تعدیل شوند، ولی مقاصد الشریعة حفظ گردد.

به‌طور کلی، می‌توان ضرورت پژوهش در مباحث مقاصد الشریعة را این‌طور برشمرد: (۱) ارزیابی حرکت کلی فقه و کارکرد آن؛ (۲) مرزبندی و تعیین حوزه دانش فقه؛ (۳) رفع تعارض در عرصه‌های قانون‌گذاری و اجرا؛ (۴) ارزیابی و نقد سند حدیث از طریق متن؛ (۵) دستیابی به نظام‌ها و قواعد فقهی؛ (۶) دسته‌بندی و تبویب احکام و مسائل شرعی در مجموعه‌ای منسجم و منطقی.<sup>۱</sup> بر این اساس، اگر قائل به مقاصد الشریعة شویم، بسیاری از مشکلات در زمینه

مسائل مستحدثه و همچنین مسئله تعارض در ادله رفع خواهد شد. توجه به نقش عقل و استفاده از اهداف غایی و کلان در پس احکام به ما کمک می‌کند در چهارچوب عقل حرکت کنیم و بسیاری از مغالطات گروه‌های تکفیری و جهادی را متوجه شده و رد کنیم.

یکی از علمای معاصر اهل سنت که گرایش‌های سلفی نیز دارد جناب شیخ یوسف قرضاوی است. وی فردی است که برخی از سلفی‌های جهادی معاصر در بسیاری موارد به سخنان وی استناد می‌کنند. با این حال، وی در بسیاری از موارد سعی کرده است اصول عقلانی را در اندیشه‌هایش بگنجانند و جانب اعتدال را رعایت کند. یکی از نمادهای عقل‌گرایی وی توجهش به بحث مقاصد الشریعة است. وی قائل به فقه مقاصدی و هدفمند است. او معتقد است اگر به مقاصد الشریعة توجه نکنیم، در فهم احکام جزئی و نصوص با اشکال مواجه خواهیم شد و از راه صحیح شناخت احکام خدا و پیامبر منحرف خواهیم گشت.

از آنجا که قرضاوی هم چهره سرشناسی است و هم کار فراوانی درباره مقاصد الشریعة کرده است، مقاله حاضر روی دیدگاه وی تمرکز می‌کند. در این راستا، مقاله ابتدا به تعریف مقاصد الشریعة پرداخته و سابقه آن را در میان اهل سنت و شیعه بررسی می‌کند. در گام بعدی، مقاله می‌کوشد با تفصیل بیشتر، به خوانش دیدگاه دکتر یوسف قرضاوی در زمینه مقاصد الشریعة بپردازد و دامنه بحث‌های مقاصدی و عقل‌گرایی اسلامی را از منظر وی واکاوی کند.

### تعریف مقاصد الشریعة

در تعریف مقاصد الشریعة، به چند تعریف از بزرگان اهل سنت، که در مبحث مقاصد الشریعة صاحب‌رأی هستند، اشاره می‌شود. ابو حامد غزالی در تعریف مقاصد الشریعة می‌گوید منظور ما از مصلحت، پاسداری از اهداف شریعت است که عبارت‌اند از: حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال. وی این امور را مقاصد کلی شریعت را قلمداد کرده و می‌گوید: «هرچه این مسائل را در خطر بیندازد، مفسده داشته و دفع آن، مصلحت به شمار می‌آید.»<sup>۲</sup> ابن عاشور در تعریف مقاصد الشریعة می‌گوید: «مقاصد الشریعة عبارت است از مفاهیم و حکمت‌ها که شارع در تمام احکام یا بخش عمده‌ای از احکام، مورد لحاظ قرار داده است.»<sup>۳</sup> علال الفاسی در تعریف مقاصد الشریعة می‌گوید: «مراد از مقاصد الشریعة غایت و اهداف احکام

است، یعنی همان اسراری که شارع در هر حکمی از اسرار خود قرار داده است.»<sup>۴</sup> احمد الریسونی نیز در تعریف مقاصد الشریعة چنین عنوان می‌کند: «مقاصد الشریعة اهدافی است که شریعت به منظور تحصیل مصالح بندگان، آن را قرار داده است.»<sup>۵</sup>

### مقاصد الشریعة از منظر اهل سنت

در میان مذاهب چهارگانه اهل سنت تلاش‌های گسترده‌ای برای روشن کردن علل احکام و سازمان دادن به آن، در شکل عام و فراگیری که غایات تشریح و اهداف آن را توضیح دهد، وجود دارد. در این راستا، کتاب «الموافقات» ابواسحاق شاطبی (متوفای ۷۹۰) سعی می‌کند فروع مربوط به اهداف را از ابواب کتب اصول فقه، جمع و استخراج نماید و آن‌ها را به‌عنوان یک رکن مستقل علم اصول تأسیس نماید.<sup>۶</sup> شاطبی ذیل آیه شریفه «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»<sup>۷</sup> می‌گوید: «المراد من الحفظ لیس حفظ ظاهر الایات بل حفظ قواعد الایات».<sup>۸</sup> او معتقد است خیلی از آیات به قاعده‌هایی برگشت می‌کند که می‌تواند به‌عنوان ملاکی برای مقاصد الشریعة باشد؛ لذا اگر «فرجل و امراتان»<sup>۹</sup> با آیه «اعدلوا هو اقرب للتعوی»<sup>۱۰</sup> سازگاری ندارد، باید در پرتو قواعد مقاصد الشریعة تفسیر شود و این یعنی اینکه مقاصد الشریعة حاکم بر همه قواعد فقه و اصول می‌باشد.

علمای اهل سنت بین عبادات و معاملات تفاوت قائل بوده و مقاصد را در باب عبادات نمی‌آورند. این موضوعی است که در ادامه با تفصیل بیشتری آن را بررسی خواهیم کرد.

### مقاصد الشریعة از منظر شیعه

مسئله مقاصد نزد عالمان شیعی نیز از اواخر قرن سوم رونق داشته و از آن ذیل عنوان «کتاب العلل» یاد می‌شده است. تاسیس ۱۳۲۴ اکنون از این کتاب‌ها جز نامی در فهرست‌ها اثر دیگری در دست نیست. نخستین اثر برجای مانده در این زمینه کتاب «علل الشرایع و الاحکام» نوشته ابو جعفر محمد ابن علی ابن حسین است که در قرن چهارم به رشته تحریر درآمده است.<sup>۱۱</sup> «علل الاحکام» با «مقاصد الشریعه» همسو است. بنابراین می‌توان بحث از علل احکام را به‌نوعی از بحث مقاصد دانست. برخی از علمای شیعه نیز دست‌یابی به مقاصد الشریعة را ممکن می‌دانند. برای نمونه، علامه سید محمد حسین فضل‌الله می‌گوید: «برخی از احکام شرعی توقیفی‌اند، مانند عبادات، ولی بسیاری از احکام شرعی، در حوزه

معاملات، قابل کشف است و این ملاک‌ها را از طبیعت نصوص، مناسبات حکم و موضوع و قراین می‌توان فهمید<sup>۱۲</sup>. با اینکه در شیعه سعی شده است، در عین اجتناب از گرفتار شدن در دام قیاس و عقل‌گرایی افراطی، مناظرات احکام به‌عنوان یک اصل قابل اتکا مورد توجه قرار گیرد، در میان اندیشمندان شیعه کسی را سراغ نداریم که به تبیین روشنی از نقش مقاصد الشریعة و مصالح احکام پرداخته باشد.

تا اینجا، از باب تمهید، نگاهی گذرا به پیشینه بحث مقاصد الشریعة در میان شیعه و اهل سنت پرداختیم. در ادامه می‌خواهیم به معرفی دیدگاه شیخ یوسف قرضاوی پرداخته و تعریف وی از مقاصد الشریعة را تبیین کنیم. ابتدا نگاهی اجمالی به زندگینامه علمی یوسف قرضاوی داریم.

### یوسف قرضاوی

قرضاوی در سال ۱۹۲۶ در روستای «صافات تراب» مصر در خانواده‌ای فقیر و دهقان متولد شد. وی در دوسالگی پدر خود را از دست داد و یتیم شد و پس از فوت پدرش نزد عموی خود بزرگ شد. او در سن ۹ سالگی توانست تمام قرآن را حفظ کند. قرضاوی پس از حفظ قرآن به موسسه مطالعات مذهبی در «طنطا» پیوست و به مدت ۱۰ سال در آنجا آموزش دید. وی پس از آن به الازهر رفت و در رشته الهیات به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۵۳ از آنجا فارغ‌التحصیل شد. او همچنین در سال ۱۹۵۸ موفق به دریافت دیپلم زبان و ادبیات عرب از موسسه مطالعات عربی شد. او در ادامه تحصیلات تکمیلی خود، در گروه علوم قرآن و سنت دانشکده اصول‌الدین الازهر ثبت‌نام کرد و در سال ۱۹۶۰ با مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات قرآنی فارغ‌التحصیل شد. قرضاوی در سال ۱۹۶۲ از سوی دانشگاه الازهر به قطر اعزام شد تا سرپرستی دومین موسسه مطالعات دینی قطر را بر عهده گیرد. او دکترای تخصصی خود را در سال ۱۹۷۳، با تدوین رساله‌ای تحت عنوان «زکات و اثر آن بر حل مشکلات اجتماعی» و کسب رتبه عالی، از دانشگاه الازهر دریافت نمود.

وی در سال ۱۹۹۱ بار دیگر به قطر بازگشت و به‌عنوان رئیس مرکز سیره و سنت دانشگاه قطر منصوب شد و تا به امروز در این سمت قرار دارد. قرضاوی هم‌اکنون رئیس شورای اروپایی «فتوا و تحقیق» (یک نهاد علمی اسلامی مستقر

در ایرلند) است. وی مدتی پیش اداره «اتحادیه بین‌المللی علمای مسلمان» را نیز بر عهده داشت، ولی الآن جای خود را به دکتر احمد ال‌ریسونی (متولد ۱۹۵۳) از کشور مغرب داده است.

قرضاوی در زمان پادشاهی ملک فاروق (۱۹۴۹) زندانی شد و پس از آن در زمان جمال عبدالناصر، سه بار از مصر به قطر عزیمت کرد و در سال ۲۰۱۱ هم‌زمان با انقلاب مردم مصر به کشور خود بازگشت. قرضاوی سهامدار اصلی و مشاور پیشین شریعت بانک «التقوی» است، بانکی که عضو لوگانوی سوئیس است و پیش از این در لیست حامیان تروریسم و القاعده (که از سوی آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل منتشر شده است) قرار داشت. در آگوست ۲۰۱۲، نام این موسسه مالی از لیست حامیان تروریسم شورای امنیت حذف گردید. قرضاوی در سال ۲۰۰۸ در نظرسنجی‌ای که از خوانندگان مجله‌های چشم‌انداز (انگلستان) و سیاست خارجی (آمریکا) انجام شد، در میان ۱۰۰ تن از روشنفکران عمومی جهان، رتبه سوم را در راهبری افکار عمومی کسب کرد.<sup>۱۳</sup>

### مقاصد الشریعة از منظر قرضاوی

همان‌طور که اشاره شد یوسف قرضاوی جزو آن دسته از علمای اهل سنت است که قائل به مقاصد الشریعة و نقش عقل در استنباط احکام و اهداف و رای برخی از احکام دین است. وی ادعا می‌کند باید بین موافقان و مخالفان مقاصد الشریعة جمع کرد و راه وسط را برگزید. او منهج خود را وسطیه می‌خواند. در این بخش ابتدا به اهمیت بحث مقاصد الشریعة از منظر یوسف قرضاوی و سپس بیان نظر کسانی که از منظر یوسف قرضاوی دچار افراط و تفریط هستند و در آخر رأی خود وی درباره نظریه اعتدالی‌اش (الوسطیة) خواهیم پرداخت.

### اهمیت مقاصد الشریعة از منظر قرضاوی

از منظر قرضاوی اگر کسی فقط به ظواهر نصوص جزئی اکتفا کند، در فهم احکام خدا و رسول دچار اشتباه خواهد شد. وی معتقد است کارهای خداوند دارای حکمت است، چون یکی از اسمای الهی «حکیم» است و این نام بیش از ۹۰ بار در قرآن ذکر شده است؛ همان‌طور که خداوند این جهان را بیهوده خلق نکرده است، در تشریح و قانون‌گذاری نیز هیچ چیز را بیهوده و عبث وضع نکرده است.<sup>۱۴</sup> وی علت اتخاذ این موضع را موارد ذیل برمی‌شمرد:

◀ تدبیر کردن در قرآن کریم و سایر تعلیلاتی که در عالم خلق و عالم امر ذکر شده است. وی از قول ابن قیم ذکر می‌کند که در بیش از هزار مورد در قرآن تعلیل و بیان اسباب و مسببات ذکر شده است؛

◀ استقرا کردن در احکام شریعت که نشان می‌دهد شامل غایات حمیده و مصالح اصیله‌ای است که در بردارنده خیر دنیا و آخرت، برای فرد و جامعه است؛

◀ خواندن آثار بزرگانی که به مباحث مقاصد الشریعة اهتمام ورزیده‌اند و از دایره الفاظ پا را فراتر نهاده‌اند، افرادی مانند ابن تیمیه، ابن قیم، ابی اسحاق شافعی، شاه ولی‌الله دهلوی، ابراهیم ال‌وزیر یمنی و از چهره‌های معاصر محمد رشید رضا؛

◀ همزیستی با علمایی که به فکر مقاصد ایمان داشته و اکتفا کردن به معنای حرفی را رد می‌کرده‌اند، بزرگانی مانند محمود شلتوت، محمد عبدالله دراز، محمد یوسف موسی، محمد ابوزهره و...

قرضاوی می‌افزاید مجموع این موارد وی را بر آن داشته است که به بحث مقاصد الشریعة روی آورد.<sup>۱۵</sup> وی بر این باور است که ما نایستی به ظاهر الفاظ جمود داشته باشیم و از معنای ورای آن غفلت کنیم. وی حتی مقاصد الشریعة را از قالب سنتی آن که شامل مقاصد خمسسه بود، فراتر می‌داند و مواردی از قبیل ارزش‌های اجتماعی از قبیل آزادی، برابری و حقوق انسان و غیره را نیز جزو مقاصد الشریعة می‌داند.

در ادامه به تقسیم‌بندی مکاتب موجود در مباحث مقاصدی می‌پردازیم.

### مکاتب موجود در مواجهه با بحث مقاصد الشریعة

مواضع علمای مختلف اسلامی در مواجهه با بحث مقاصد الشریعة را می‌توان در سه دسته جای داد. گروهی بحث‌های مقاصدی و نقش عقل در کشف مقاصد و اهداف شریعت را به‌طور کلی انکار کرده‌اند. گروهی دیگر که در نقطه مقابل جریان قبلی قرار دارد، به عقل‌گرایی افراطی رو آورده و بسیاری از احکام را در سایه مقاصد تأویل می‌کنند. در این میان، گروه سومی وجود دارد که می‌کوشند بین دو مکتب قبلی جمع کنند. قرضاوی خود را متعلق به گروه سوم می‌داند.

### مکتب اول: پایبندی به الفاظ و معنای ظاهری

این مکتب را می‌توان «نوظاهرگرایان» نامید. آن‌ها به تبع از ظاهرگرایان قدیم، هرگونه تعلیل را در احکام انکار کرده و قیاس را نیز منکر شده‌اند. این عده معتقدند ما باید گفته‌های خداوند را بدون چون و چرا اجرا کنیم، به نحوی که حتی اگر ما را به شرک امر کند یا از توحید نهی کند، باید گوش به فرمان باشیم.<sup>۱۶</sup> یکی از چهره‌های بزرگ مکتب ظاهرگرایی ابن حزم اندلسی (۳۸۴ ق) است. او بر این باور است که «به هیچ وجه جایز نیست در چیزی از اشیا به جز مواردی که از قرآن و کلام نبی و یا از فعل و تقریر و اجماع جمیع علمای امت اسلام است، حکم کرد». <sup>۱۷</sup> قرضای می‌گوید: اگر این نظریه را قبول کنیم دیگر پول کاغذی نیز ثمن نخواهد بود و احکام ربا بر آن جاری نخواهد شد و زکات نیز بر آن شامل نخواهد شد. همچنین طبق این نظریه تصاویر فتوکپی و تلویزیونی نیز حرام خواهد شد. از زمانی که ابزار فتوکپی در زندگی وارد شد و علما نسبت به آن موضع‌گیری کردند ما شاهد فتوایی هستیم که بین مباح، مکروه و حرام در گردش هستند که منشأ این نوع فتواها این نوع نگاه به ظاهر نصوص شرعی است.<sup>۱۸</sup>

### مکتب دوم: پایبندی به مقاصد الشریعة و روح دین

این مکتب که در مقابل مکتب قبلی قرار دارد، معتقد است باید از شکل و صورت رها شد. آن‌ها حتی نصوص محکم را نیز رد می‌کنند و به تأویل قرآن می‌پردازند و به متشابهات روی می‌آورند و از محکمت روی برمی‌گردانند. قرضای این دسته را دعوت‌کنندگان به مدرنیته غربی می‌داند.<sup>۱۹</sup> قرضای در کتابش به نام سیاست شرعی در پرتو نصوص شریعت و مقاصدش ادعای این افراد را رد کرده و این مکتب را «نومعطله» نامیده است.<sup>۲۰</sup> بنیاد اندیشه

از نگاه قرضای، اغلب طرفداران این مکتب سکولارها، لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها هستند. این عده معمولاً شناخت عمیقی از اسلام ندارند و بیشتر غرب‌زده هستند و سعی دارند ارزش‌های غربی را به هر بهانه‌ای وارد جامعه اسلامی کنند. مثلاً محمد آرکون الجزایری الاصل از مباحث مقاصدی به عنوان ابزاری برای گذشتن از قوانین شرعی استفاده می‌کند و کتاب *تاریخیه العقل العربی الاسلامی* را می‌نویسد. به اعتقاد قرضای، جهل به شریعت، جرئت سخن گفتن در موارد مشکوک و غرب‌گرایی را می‌توان جزو مهم‌ترین ویژگی‌های این مکتب



برشمرد. این افراد منطق عقل را مطلقاً بر منطق وحی ترجیح می‌دهند و برای اثبات ادعای خود به برخی مدعیات مخدوش تاریخی استناد می‌کنند.

از نگاه قرضاوی، یکی از مهم‌ترین عواقب حاصل از این نوع نگرش فرار از نصوص قطعی و متمسک شدن به برخی متشابهات و در نتیجه، معارضه کردن با ارکان اسلام و حدود الهی به نام مصالح است. حتی برخی از این افراد به معارضه با ارکان اسلام از قبیل نماز، روزه، زکات و حج پرداخته‌اند. برخی از آنان می‌پندارند که نماز موجب تعطیل شدن کارها، زکات موجب گداپروری و روزه موجب کاهش بازدهی کاری می‌شود.

#### مکتب سوم: مکتب وسطیه و اعتدال

قرضاوی این مکتب را به‌عنوان راه‌حلی برای جلوگیری از افراط و تفریط پیشنهاد داده است. قرضاوی معتقد است مکتب مختار وی از نصوص جزئی و سنت رسول خدا غفلت نمی‌کند، ولی در عین حال این نصوص جزئی را جدا از مقاصد کلی معنا نمی‌کند، بلکه این نصوص جزئی را در چهارچوب این اصول کلی معنا می‌کند. طبق این مکتب، باید فروع را به اصول، متغیرات را به ثوابت، متشابهات را به محکمت و جزئیات را به کلیات بازگرداند.<sup>۲۱</sup>

ویژگی‌های زیر جزو مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که قرضاوی برای مکتب وسطیه خود برمی‌شمرد:<sup>۲۲</sup>

◀ ایمان داشتن به حکمت شریعت و اینکه این مصلحت دربردارنده مصالح عباد است: از نگاه قرضاوی، احکام از جانب خدای حکیم نازل شده است و تجلی علم و حکمت وی است. محال است که خداوند علم کافی نداشته باشد یا امری را تشریح کند که بندگان را به عسر و حرج گرفتار کند. هر دو احتمال مردود است و آیات فراوانی بر آن دلالت دارد. قرضاوی برای رد احتمال اول به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»<sup>۲۳</sup> و برای رد احتمال دوم به آیه «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»<sup>۲۴</sup> استناد می‌کند.

◀ ربط دادن نصوص و احکام شرعی به یکدیگر: یکی از ویژگی‌های مهم مکتب اعتدالی این است که ما نباید به نصوص و احکام به‌صورت پراکنده نگاه کنیم، بلکه بایستی اجزای مختلف دین را به یکدیگر مرتبط

کرده و نگاه کل‌گرایانه داشته باشیم. نیایستی به دین نگاه جزیره‌ای داشته باشیم و مانند فقهای قدیم شریعت را به عبادات، معاملات، جنایات و عقوبات و... تقسیم‌بندی کنیم. فقیه واقعی کسی است که بین تمام این ابواب ترابط می‌بیند و هرکدام را در خدمت دیگری به کار می‌گیرد.

◀ نظر اعتدالی به امور دین و دنیا: از منظر این مکتب، افراط و تفریط مردود است همان طور که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ»<sup>۲۵</sup>. این دیدگاه نسبت به دین و دنیا یک نگاه اعتدالی دارد.

◀ ارتباط دادن نصوص دینی با زندگی واقعی مردم در عصر جدید: قرضای می‌گوید یکی از ویژگی‌های اصلی مکتب اعتدال این است که ارتباط بین نصوص دینی و واقع زندگی مردم را درک کرده‌اند. اصحاب این نظریه در برج عاج زندگی نمی‌کنند و نگاه از بالا به پایین نسبت به مردم ندارند و در صومعه‌ها نیز به سر نمی‌برند، بلکه در بین مردم زیست می‌کنند و با آلام و رنج‌های آنان آشنا هستند و سعی می‌کنند دردهای آنان را تشخیص دهند و برای آن نسخه تجویز کنند.

◀ سیاست درهای باز بر روی عالم و باز کردن باب گفت‌وگو با دنیا: مکتب اعتدال به جهانی بودن اسلام ایمان دارد و خواستار تسامح بین ادیان، گفت‌وگوی بین تمدن‌ها و تقریب بین مذاهب است.

### اصول نظریه اعتدال<sup>۲۶</sup>

قرضای برای اثبات نظریه اعتدال خویش سعی دارد برخی اصول و مبانی را بیان کند که اگر آن‌ها را بپذیریم، فهم و پذیرش نظریه وسطیه او بر ما آسان خواند شد. در زیر به بیان مهم‌ترین اصول مورد قبول او می‌پردازیم.

#### جستجو کردن از مقصد نص قبل از حکم صادر کردن

از نگاه قرضای، دانستن مقصد و هدف شارع از امر و نهی جزو مسائل ضروری برای هر مجتهد است، زیرا دانستن مقصد شارع نقش مهمی در حکم کردن به وجوب و استحباب در امرهای شارع و در حکم کردن به حرام یا مکروه در نهی‌های شارع دارد. برای مثال مسئله ریش‌تراشی را در نظر بگیرید که چه احادیثی پیرامون آن وارد شده است. آیا نتراشیدن ریش واجب است یا مستحب؟

اگر نگاهی به احادیث بیفکنیم ملاحظه خواهیم کرد که در اکثر این احادیث علت این کار بیان شده است و آن شباهت نداشتن به کفار از لحاظ ظاهری است. از این احادیث ما به این نتیجه می‌رسیم که مسلمانان باید شخصیت مستقل داشته باشند و در سایر امت‌ها ذوب نشوند مخصوصاً در دوره شکل‌گیری امت اسلام. ما در این موارد نمی‌توانیم به ظاهر آن جمود داشته باشیم. زیرا علت این ریش‌تراشی و یا این خضاب ذکر شده و آن مخالفت با غیرمسلمانان است. از آنجایی که می‌بینیم صحابه به خضاب و... خیلی اهتمام و تقید نداشته‌اند و برخی این کار را انجام می‌دادند و برخی نیز آن را ترک کرده‌اند، می‌توانیم به این حکم کنیم که این کار از ضروریات و واجبات نبوده است و بهتر این است که حکم به استحباب این عمل کنیم.

#### فهمیدن نص در پرتو اسباب و شرایط

یکی دیگر از پایه‌های نظریه اعتدالی دکتر قرضاوی توجه به اسباب و شأن نزول است. وی معتقد است همان طور که در مورد قرآن نیازمند به شأن نزول هستیم تا مقصود آن را متوجه شویم، در مورد حدیث، به طریق اولی، باید به اسباب نزول توجه کنیم، زیرا حدیث از حیث سند و کیفیت کلی و جزئی بودن و شرایط مکانی و زمانی با قرآن تفاوت دارد و مانند قرآن نیست. مثلاً در قرآن باید به شأن نزول توجه کنیم تا آیاتی را که در شأن مشرکین نازل شده است، در مورد مسلمانان تطبیق ندهیم، همان کاری که بعضی از غلات و خواجه انجام دادند. در حدیث نیز باید دقیقاً به همین نکته توجه کنیم. به‌عنوان مثال، قرضاوی اسباب نزول را در مسئله حرام بودن سفر زنان بدون همراهی کردن یک محرم مرد با او مؤثر می‌داند. این حکم مضمون حدیثی است که در صحیح مسلم و بخاری آمده و ابن‌عباس آن را از رسول خدا نقل کرده است: «لا تسافر المرأة الا مع ذی محرم»<sup>۲۷</sup>. اما از نگاه قرضاوی، اگر دقت کنیم خواهیم دید که شرایط زمان ما تغییر کرده است. در زمان قدیم چون سفرها با شتر و الاغ و... انجام می‌گردید و مردم از صحراها و مکان‌های خالی از سکنه عبور می‌کردند، بیم آن می‌رفت که به زن آسیبی وارد شود یا حداقل در معرض تهمت قرار گیرد، ولی امروزه که در هواپیما و قطار و... صدها مسافر با یکدیگر سفر می‌کنند، مشکل ذکرشده دیگر وجود ندارد. بنابراین حکم مذکور به شرایط دنیای قدیم و موارد مشابه آن در دنیای جدید اختصاص دارد.

### تشخیص میان اهداف ثابت‌ه و وسایل متغیره

از نگاه قرض‌اوی، یکی از اشتباهات رایج مردم این است که بین هدف و وسیله خلط می‌کنند و گاهی از هدف غافل می‌شوند و فقط به وسیله اهتمام می‌ورزند. مثلاً خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ»<sup>۲۸</sup> واضح است که از این آیه شریفه هیچ‌کسی متوجه نمی‌شود که تنها راه مقابله با دشمنان از طریق رباط الخیل است. هر عاقلی که با زبان و شرع آشنا باشد تشخیص خواهد داد که وسیله دفاعی امروزی تانک و... است. یا مثال دیگر مسئله مسواک زدن است که در احادیث نبوی بر آن تأکید فراوانی شده است. سؤال اینجا است که آیا واقعاً مسواک هدف است یا فقط به‌عنوان وسیله‌ای بوده است که در دسترس مردم جزیره‌العرب بوده است که برای تمیزی دهان از آن استفاده کنند و این کار را می‌شود با وسایل دیگری نیز انجام داد. مورد مبتلابه دیگر مسئله رؤیت هلال ماه برای وارد شدن در ماه جدید است. در احادیث داریم که تا ماه را ندیده‌اید روزه نگیرید و تا ماه جدید را ندیده‌اید، افطار نکنید. در قدیم رؤیت هلال ماه با چشم بوده است و این روش تنها وسیله در دسترس مردم در آن روزگار بوده است، اما آیا امروزه با آمدن تلسکوپ و... باید بر رؤیت هلال ماه فقط با چشم غیرمسلح اصرار بورزیم؟ آیا دقت تلسکوپ از چشم غیرمسلح بالاتر نیست و موجب از بین رفتن اختلافات در روز عید و... نمی‌شود؟

### هماهنگی بین ثابت‌ها و متغیرها

مسئله هم‌اهنگی بین امور ثابت و متغیر در شریعت یک از ارکان مهم مکتب اعتدال قرض‌اوی است. ثوابت «دایره بسته» هستند و در آن هیچ نوع اجتهاد و تغییر و دگرگونی وجود ندارد. آن‌ها محوری هستند که مجتهدان باید حول این محور چرخش کنند. از نگاه قرض‌اوی، این امور ثابت محدوده وسیعی دارد و شامل عقاید اساسی مانند ایمان به خدا و ملائکه، پیامبران، آخرت و... می‌شود. ارکان عملی اسلام مانند شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج نیز جزء این امور ثابت است. مسائل مهم اخلاقی که در قرآن و سنت ذکر شده است نیز جزء این امور ثابت است: عدل، احسان، صدق، امانت و... . حرام‌های قطعی مانند قتل، زنا و هم‌جنس‌گرایی، شرب خمر، دزدی و ربا و... نیز از این امور ثابت است.

موارد دیگر غیر از موارد فوق، شامل احکام فرعی و جزئی می‌شوند که جزو متغیرها به شمار می‌روند. این موارد که دلالت ظنی دارند از محدوده وسیعی برخوردار است. بیشتر احکام شرعی در این محدوده قرار می‌گیرد و امکان اجتهاد در آن‌ها وجود دارد. سکولارها و طرفداران مکتب تعطیل سعی در از بین بردن مرز میان امور ثابت و متغیر دارند و می‌خواهند امور ثابت را به امور متغیر تبدیل کنند. در نقطه مقابل نوظاهرگرایان سعی بر این دارند تا دایره ثابت‌ها را توسعه دهند و کارها را سخت کنند و آنچه را که در دین نیست داخل در دین کنند. اما قرضاوی هیچ یک از این دو شیوه را نمی‌پسندد.

### فرق میان عبادت و معاملات در مباحث مقاصد الشریعة

یکی دیگر از اصول مهم مکتب اعتدال و وسطیة قرضاوی تمیز قائل شدن میان عبادات و معاملات در مباحث مقاصد الشریعة است. وی به تبع بزرگانی مانند شاطبی (متوفای ۷۹۰ ق) بر این باور است که باید میان عبادات و معاملات در بحث مقاصد الشریعة تفاوت قائل شد، شاطبی در کتاب الموافقات خود در مسئله دوازدهم می‌گوید: «اصل در عبادات برای مکلف تعبد است، بدون توجه به معانی و اصل در عادات (معاملات) توجه به معانی است.»<sup>۲۹</sup> شاطبی برای این رأی خویش به‌طور مفصل دلایل خویش را هم در مورد عبادات و هم در مورد معاملات ذکر می‌کند. بر اساس این دیدگاه، در مقدرات شرعی، نظیر عده طلاق و همچنین در قوانین ارث و حدود نایستی به مباحث مقاصد الشریعة توجه کنیم. در مورد زکات نیز قرضاوی بر این باور است که زکات عبادت محض نیست و با مسائل مالی آمیخته شده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد خلیفه عمر زکات اسب را هم به سبب شرایط زمانی خاص دوره خودش واجب کرده است.<sup>۳۰</sup>

### نتیجه

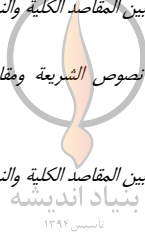
شیخ یوسف القرضاوی به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته معاصر جهان اسلام بر این عقیده است که ورای دستورات شارع حکمتی نهفته است که ما در بسیاری از موارد می‌توانیم این حکمت را کشف کنیم. از منظر وی در مواجهه با مباحث مقاصدی ما با سه گرایش کلی روبرو هستیم. گروه اول گروهی هستند که وی آن‌ها را نوظاهرگرایان می‌نامد. این گروه به این حزم اندلسی اقتدا کرده‌اند و به‌طور کلی هرگونه بحث مقاصدی را جایز نمی‌دانند، به‌جز مواردی که جمیع علمای امت بر آن

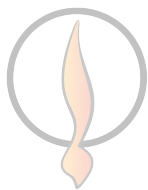
اجماع داشته باشد و مورد تأیید قرآن و سنت باشد. گروه دوم که وی آن‌ها را نومعطله می‌نامد کسانی هستند که در امر مقاصد الشریعة دچار افراط شده‌اند و بیشتر خواهان غرب‌گرایی و سکولار کردن جامعه اسلامی هستند. اما گروه سوم، که شیخ قرضاوی آن را مکتب اعتدال و وسطیه می‌نامد، بر این باور است که باید در تفسیر نصوص جزئی از مقاصد کلی شریعت کمک گرفت و متشابهات را به محکومات بازگرداند. قرضاوی معتقد است این منهج واقعیت‌های جامعه و مشکلات مردم را درک کرده است و تلاش دارد برای آن‌ها از طریق قرآن و سنت راه چاره جوید. از دیگر ویژگی‌های این مکتب تعامل با جهانیان و ایمان داشتن به این نکته است که اسلام برای تمام بشریت است و باید بین همه ادیان حوار برقرار شود و بین مذاهب اسلامی نیز تقریب صورت گیرد.

به نظر می‌رسد این نظریه قرضاوی در نحوه استنتاج ما از قرآن و سنت و توجه داشتن به مباحث مقاصد الشریعة می‌تواند در جلوگیری از ظاهرگرایی و پدیده تکفیر به ما کمک کند و دریچه گفت‌وگوی بین ادیان و مذاهب را بگشاید. از آنجا که قرضاوی در بین علمای معاصر جهان اسلام از جمله بزرگان است و نظریات بسیاری دارد، هر جریانی سعی می‌کند در جهت اهداف خود از نام وی بهره ببرد، مانند شخصیت ابن تیمیه که همه جریان‌ها اعم از تکفیری و معتدل سعی دارند او را به نفع خود مصادر کنند. با این حال، توجه به بُعد عقلانی دیدگاه قرضاوی و نشان دادن لوازم دین‌شناختی وی در جلوگیری از خشونت (ولو خود قرضاوی در مشی عملی یا نظری خود به آن ملتفت یا ملتزم نباشد) بی‌گمان امر میمون و مبارکی است، زیرا در برهه‌ای که داعش و سایر گروه‌های افراطی نظیر القاعده و طالبان سعی در خشن جلوه دادن چهره اسلام رحمانی دارد، جهان اسلام بیش از پیش نیازمند استفاده از ظرفیت عقل در کشف و فهم احکام شرعی است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. علیرضا بهار دوست، «پژوهش در مقاصد شریعت»، کتاب ماه دین، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۴، شماره ۹۱ و ۹۲، ص ۲۲.
۲. سیدحیدر حسینی، مقاصد الشریعة و دورها فی عملیة الاستنباط عند الفریقین (قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۵)، ص ۵۸.
۳. همان.
۴. همان ص ۵۹.
۵. همان.
۶. عبدالمجید النجار، فصول فی الفکر الاسلامی بالمغرب (بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۲)، ص ۱۲۴.
۷. حجر، ۹.
۸. همان.
۹. بقره، ۲۸۲.
۱۰. مائده، ۸.
۱۱. جلال محمدی، «مقاصد الشریعة و جایگاه آن در شریعت با نگاه تطبیقی»، حبل المتین، سال چهارم، ش ۱۲، پائیز ۱۳۹۴، ص ۱۹.
۱۲. اسماعیل حسینی، مقاصد از نگاه ابن‌عاشور، ترجمه مهدی مهریزی (قم: صحیفه خرد؛ تهران: موسسه جهانی اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۴۱، صحیفه خرد، سال ۱۳۸۳.
13. <http://www.aljazeera.net/specialfiles/pages/14e84a27-d48f-4d93-ba0d-216902d193e0>
۱۴. یوسف القرضاوی، دراسة فی فقه مقاصد الشریعة: بین المقاصد الكلية والنصوص الجزئية (قاهره: دار الشروق، ۲۰۰۶)، ص ۱۱.
۱۵. همان ص ۱۵.
۱۶. همان، ص ۳۹.
۱۷. ابن‌حزم، الاحکام فی أصول الأحکام (بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۱۹۸۳)، ج ۲، ص ۱۹۵.
۱۸. یوسف القرضاوی، دراسة فی فقه مقاصد الشریعة: بین المقاصد الكلية والنصوص الجزئية، ص ۷۳.
۱۹. همان، ص ۴۰.
۲۰. یوسف القرضاوی، السياسة الشرعية فی ضوء نصوص الشریعة ومقاصدها (قاهره: مکتب وهبة، ۱۹۹۸م)، صص ۱۶۹-۲۲۲.
۲۱. انفال، ۴۱.
۲۲. یوسف القرضاوی، دراسة فی فقه مقاصد الشریعة: بین المقاصد الكلية والنصوص الجزئية، ص ۹۷.
۲۳. آل عمران، ۵.
۲۴. بقره، ۱۸۵.
۲۵. رحمن، ۸ و ۹.
۲۶. همان، ص ۱۵۳.
۲۷. بخشی از حدیثی است که در بخاری در بحث صید (۱۷۶۳) و مسلم در کتاب حج (۱۳۴۱) ذکر شده است.
۲۸. انفال، ۶۰.
۲۹. الشاطبی، الموافقات (قاهره: دار ابن‌عغان، ۱۹۹۷)، ج ۲، صص ۳۰۵-۳۰۷.
۳۰. یوسف القرضاوی، دراسة فی فقه مقاصد الشریعة: بین المقاصد الكلية والنصوص الجزئية، ص ۲۱۰.





بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۸۴